

محبت اجتماع صورت روی و تو را که آن پس عشق مستقیم
 است ساری شده در عالم و نفس و فون عبارت است از
 نور که در ظلمت سیاه و پرکنده شود مانند حالتی که در وقت
 صبح صادق یا فوژیک غروب شمس می یزد و یا همچنان
 که آنکه در با نور انبیا کشته فمیده می شود به نسبت فون
 نبین کشته به نسبت با پس پس کتایبه از معانی است
 که منتشر شود در عالم و پس پستی که پیدا شد نزدیک
 توجه انبیا برود و کار خویش جنبه دک باوق فون
 و شپه ز و کرمی که در عالم متغین شد چنان که
 کسیه گوید در حق فصدن این محبت است که در عالم
 پیدا شده از جنبه کسره و معادیه دک مثل قافیه
 اوله که معنی فوت کسره از قاف فمیده می شود پس
 که بعضی عالم مندرس فلانی است که در و متغین شد

پس

بعضی علوم متشخصه نزدیک بر جمع به پروردگار اعلیٰ بالجمله معنی
 این کلمات را بطریق ذوق فمایدند و آن معانی
 اجمالیه را بجز این کلمات که به بجز در آمد تغییر کردن معذور
 نیست هر چند این کلمات وانی بکنند آن نیستند
 بلکه متباین اند من وجه دون
 وجه و الله اعلم بالصواب
 تمت الکتاب بحون
 الملك الوهاب
 ۳ ۳ ۳
 بسم الله الرحمن الرحیم
باب عجم در ذکر جمله صالحه منزه غریب آن و اسباب نزول آن
 که مفسر را حفظ القدر ضرور است و فوض تفسیر بدون حفظ
 مصنوع و منظور و این باب بجز جمله ملاحظه کرده شده است

عجم